



بررسی فقهی حیله های ربوی از منظر فقه امامیه

فاطمه جعفرزاده نجار

چکیده

اصل حرام بودن ربا در میان مذاهب مختلف فقهی در دین اسلام مسلم است و هم در قرآن و هم در روایات بران تاکید شده است. به منظور رهیایی و تخلص از حکم حرمت ربا، شیوه هایی موسوم به حیله ها و راه های فرار از ربا مطرح است که در مورد مشروعیت این حیله ها، اختلاف دیدگاه وجود دارد. و حذف ربا از نظام بانکی و بازارهای مالی کشور های اسلامی، بدون شناخت روش حیله های ربا و تفکیک حیله های مجاز از غیر مجاز و جواز به استفاده از حیله ها و عدم جواز از آنها ممکن نیست. با بررسی آثار فقها به این نتیجه رسیدیم که نظر یکسانی در مورد حیله های ربوی وجود ندارد و برخی آن هارا جایزو برخی دیگر حرام می دانند.





مقدمه

حرمت ربا تقریباً در تمام سیستم‌های حقوقی جهان پذیرفته شده و در شرع مقدس اسلامی به عنوان یک حکم شرعی مسلم نزد دانشمندان اسلامی پذیرفته شده است، و دلیل بر حرمت آن از کتاب، سنت و اجماع مسلمین وجود دارد، و برخی آن را از ضروریات اسلام دانسته اند. اما در اینکه ربای محرم چیست و در چه شرایطی واقع می‌شود و حیل‌های مجاز آن کدام است اختلاف نظر وجود دارد.

به دلیل فقدان ملاکی روشن برای تبیین حیل‌های حرام از راه‌های حلال فرار از ربا، همواره این موضوع بین فقها (اعم از شیعه و سنی) اختلافی بوده و امروزه نیز این اختلاف باعث اختلاف و ناهماهنگی در ساماندهی نظام بانکی و بازارهای مالی در کشورهای اسلامی شده است. از این رو تحقیق برای تفکیک حیل‌های مجاز از غیر مجاز و تحقیق برای یافتن ملاکی روشن در زمان ما ضرورتی دو چندان دارد.



تعریف حيله

حيله از ماده <حول> به معنای تغيير و دگرگونی است. برخی نیز گفته اند: (حيله در لغت به معنای دستیابی به راه های پنهان برای تحصیل غرض می باشد.) حيله در نصوص، تعريف نشده بلکه در همین معنای لغوی به کار رفته است.

فقیهان شیعه حيله را به مفهوم عام به کار برده اند. برای نمونه، محقق حلی درباره ی حيله می گوید: (جایز است در اسقاط حکمی که اگر حيله نبود ثابت بود، از حیل مباح نه حرام را استفاده کرد.) شهید ثانی نیز در تعريف حيله میفرماید: (مقصود از حيله، دستیابی به اسبابی است که احکام شرعیه بر آن مترتب است، و این اسباب گاهی حلال و گاهی حرام هستند.)

تعريف حيله ربا

واضح است که بحث ما در حکم حيله ربامختص به حيله ایست که بخصوصه دلیل بر حرمتش نداشته باشیم و الا بحثی در حرمتش نخواهد بود. مثل صورتی که شخص برای فرار از قرض ربوی اقدام به قرض بدون بهره کند ولی در ضمن همان قرض شرط کند که کالایی را به بیشتر از قیمت واقعی اش به طرف مقابل را بفروشد یا از طرف مقابل کالایی را به کمتر از قیمتش بخرد، که این حيله، خودش از اقسام قرض ربوی است که زیادی در آن، حکمی است. بنابراین حيله در امور شرعی عبارت است از: (متوسل شدن به عملی، به منظور تغییر حکم شرعی.)

که معمولاً از حيله شرعی برای فرار از یک حکم تکلیفی الزامی یعنی <حرمت> یا <وجوب> استفاده می شود، بدین صورت که مکلف می کوشد به کمک حيله حرمت یا وجوب چیزی را از بین ببرد.

- اکنون این پرسش مطرح است که انسان چگونه میتواند حکم شرعی را تغییر دهد؟

بی تردید انسان حکم شرعی را فقط از راه تغییر موضوع یا متعلق حکم می تواند تغییر دهد. مرحوم

آیت الله بهبهانی در این باره می گوید: (حيله شرعی فقط درباره موضوعات احکام محقق می شود نه خود

احکام زیرا احکام به حسب حکم شارع تحقق می یابد.)



به عنوان مثال شخصی که بخواهد حکم و جوب روزه را تغییر دهد، باید موضوع این حکم را تغییر دهند و خود را از عنوان حاضر خارج کرده و با مسافرت کردن تحت عنوان مسافر قرار دهد. پس برای فرار از حکم ربا نیز باید کاری انجام شود تا موضوعاً از عنوان ربا خارج شود.
بنابر این حيله ربا عبارت است از :

(عملی که به منظور تغییر حکم ربا از راه تغییر عنوانی که بر آن منطبق است، انجام میشود).
حال با توجه به اینکه حيله ربا می باید به گونه ای باشد که ربا بر آن صدق نکند، پس ضروری است به طور مختصر ربا را تعریف کنیم :

از دیدگاه عرف هرگاه در یک طرف پول یا شیء تملیک شود و طرف دیگر ملزم به باز پرداخت همان مقدار پول یا شیء به اضافه سود معینی در زمان مشخص شود بدون اینکه طلبکار هر گونه ریسک که ناشی از نوسانات بازار است را بپذیرد ، معامله ربوی شکل گرفته است و در نظر عرف ، این معامله می تواند قرض باشد یا بیع یا صلح و یا هبه معوض باشد . پس ربای عرفی دو قسم دارد :

الف) ربا در قرض: یعنی دادن قرض به دیگران به شرط پرداخت اصل سرمایه همراه با زیاده حقیقی یا حکمی. و البته به تاخیر انداختن زمان پرداخت دین در مقابل افزودن بردین نیز ملحق به همین قسم است.

ب) ربای معاوضی: و این در جایی است که یک طرف از عوضین از لحاظ ارزش در قیمت از طرف دیگر بیشتر باشد مثلاً بایع ۱۰ کیلو گندم را که ۲۰ هزار تومان می ارزد به ۱۲ کیلو گندم که ۲۲ هزار تومان می ارزد ، می فروشد.

حیله های ربا در یکی از پنج صورت ذیل حرام است:

۱) قصد ارتکاب حرام (گرفتن ربا)

اگر قصد فرد گرفتن ربا است و در ظاهر از عقد دیگری استفاده میکند، برای نمونه در حيله ربای قرضی، قصد جدی او قرض ربوی است ولی در ظاهر صورت سازی می کند، مرتکب حيله حرام شده است. اگر فردی به قصد آن که یک میلیون تومان به دیگری قرض دهد و ۲۰ درصد ربا بگیرد ، در ظاهر کالایی را به قیمت یک میلیون تومان از آن را بخرد و همان کار را به او به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان



نسیه بفروشد بدون آن که به واقع خرید و فروش و نقل و انتقال مالکیت را قصد کند، بلکه قصد جدی او همان قرض ربوی باشد چنین اقدامی که به منظور ارتکاب حرام انجام شده حرام است.

۲) استفاده از عقد حرام و باطل

اگر فرد برای تغییر حکم ربا بدون قصد ظاهر سازی و با قصد جدی از عقود دیگری استفاده کند ولی آن عقد دیگر خود جایز نباشد نیز چنین حيله‌ای جایز نیست. برای مثال اگر به جای قرض ربوی از بیع ربوی استفاده کند از آنجا که بیع ربوی نیز همچون قرض ربوی حرام است، چنین حيله‌ای جایز نیست.

۳) دلالت حرمت ربا بر حرمت عنوان حيله

اگر دلیل حرمت ربا به یکی از دلالت‌های مطابقی التزامی، تنبیه یا اقتضا، به مفهوم موافق یا مخالف بر حرمت عنوان حيله دلالت کند، حيله حرام است.

۴) امکان تعدی از ادله حرمت ربا به صورت حيله یا نصی دیگر

تعدی از ادله حرمت ربای قرضی به عنوان حيله به سبب نص دیگر ممکن باشد، در این صورت حيله حرام است. مصداق روشن آن تعدی به وسیله قیاس منصوص العله است. برای تعدی به سبب قیاس منصوص العله دو شرط باید احراز شود: یکی آنکه احراز شود علت منصوص، علت تامه حکم دراصل است و دوم آنکه وجود این علت در فرع احراز شود.

۵) امکان تعدی از ادله حرمت ربا به عنوان حيله به کمک عقل

اگر بتوان به کمک عقل، مناط حرمت ربا را به راه قطع احراز کرد و وجود آن را نیز در عنوان حيله احراز قطعی کرد، حيله حرام است. همچنین اگر بتوان به راه قطعی احراز کرد که عنوان حيله با عنوان ربا فرقی ندارد یا فرق فارق در حکم است در این صورت نیز حيله حرام است. برای تعدی به ملاک عدم الفرق مثال‌های متعددی برای حيله‌های ربا می‌توان زد، برای نمونه اگر شارع شرط زیاده در قرض را حرام کند و کسی این حيله را به کار برد که زیاده را به شرط قرض هبه کند، یعنی به جای آنکه قرض دهنده بگوید: یک میلیون به تو قرض میدهم به شرط آنکه یک میلیون و صد هزار تومان پس دهی، قرض گیرنده بگوید ۱۰۰ هزار تومان به تو هبه می‌کنم به شرط آنکه یک میلیون تومان به من قرض بدهی، در این صورت آنچه تحقق یافته قرض به شرط زیاده نیست، بلکه هبه شرط قرض است. هیچ یک از فقیهان،



حتی آنان که حيله های منصوص ربا را تجویز می کنند، این حيله را تجویز نکردند ، زیرا بین این دو فرق فارقی نیافتند.

اقسام حيله ربا

۱) اینکه طرفین برای تخلص از ربا یک معامله و یا چند معامله کاملاً سوره و ظاهری انجام دهند. مثلاً به جای قرض پول به صورت ربوی ، از کلمه بیع استفاده کنند . مثلاً صاحب اسکناس می گوید: این ۱۰۰ هزار تومان را به تو فروختم در مقابل ۱۲۰ هزار تومانی که یک ماه بعد به من می دهی در حالی که اصلاً قصد جدی به بیع و انشاء (تملیک عین بعوض) نداشته باشد و یا در مثال فروش اقساطی که در بانک ها رایج است و یا در بیع العینه (بیع نقد و نسیه در یک مجلس) بدون آنکه به واقع خرید و فروش و نقل و انتقال ملکیت را قصد کنند ، این عملیات را انجام دهند بگونه ای که قصد جدی و متمرکز ذهنی آنها همان قرض ربوی باشد و به آثار و احکام بیع پایبند نباشد اگرچه به صورت فرمالیته از این عملیات استفاده می کند و یا مثلاً در حيله کارمزد هیچ قصدی نسبت به عقد اجاره و یا جعاله ندارند و یا در حيله ضم ضمیمه قصد جدی بیع نداشته باشند و همچنین در سایر حيله های ربا نیز به همینصورت است .

نقد این صورت :

اگرچه برخی از بزرگان این صورت را در شمار صور حيله ی ربا ذکر کرده اند لکن به نظر می رسد این صورت تحت عنوان ربا قرار می گیرد نه حیل ربت و بعید است احدی از مجوزین حیل ربا، این صورت را جایز بدانند.

۲) این که قصد جدی نسبت به آن معامله حيله ای داشته باشد: یا آن حيله تک عقدی است ، مثل اینکه صاحب پول به جای قرض پول، آن را بفروشد به بیشتر و قصد جدی به بیع نیز داشته باشد و یا آن را به بیشتر صلح کند و این شق هم بر دو گونه است :



الف) یا به گونه ایست که عرف باز هم حقیقت و روح حيله را ربوی می بیند و مورد معامله به گونه ایست که عرف ، غیر از قرض را در آن بر نمی تابد مثل اینکه هر دو طرف بیع ، پول رایج یک کشور باشند که یکی پولش را به زیاده به دیگری بفروشد که عرف می گوید این همان قرض ربوی است

ب) یا به گونه ایست که عرف بیع را در آن می پذیرد ، مثل اینکه شخص به جای آن که یک میلیون تومان قرض دهد و یک میلیون و دویست هزار تومان بگیرد ، یک میلیون را به صورت نسیه ، در مقابل هزهر دلار مٹا می فروشد (بفرض، هزار دلار ، یک میلیون و دویست هزار تومان می ارزد) که در این صورت شق واقعا خرید و فروش هم جا دارد .

۳) این که قصد جدی به آن معامله حيله ای داشته باشند: یا آن حيله چند عقدی است ، این قسم نیز دو فرض دارد :

الف) هیچکدام از لوازم و ابزار آن حيله ظاهر نشود و ثمره عملی نداشته باشد به عنوان مثال در همان فروش نقد و نسیه ، اگر شخص قصد جدی نسبت به بیع و لوازم آن داشته باشد (یعنی وقتی کالایی را از شخص طالب پول به صورت نقد می خرد تا دوباره به خود شخص به صورت نسیه به بیشتر فی المجلس بفروشد ، واقعا قصد بیع میکند و لوازم آن را هم قبول دارد که اگر یک لحظه قبل از معامله دوم که همان بیع نسیه می باشد کالا تلف شود از جیب او رفته باشد و یا اگر طالب پول بعد از معامله دوم خواست به واسطه خیار مجلس معامله نسیه ای را فسخ کند ، این شخص اعتراضی ندارد. (و همچنین سایر احکام بیع) لکن بیع هیچ کدام از آثارش ظاهر نشود مثلاً در عقد نسیه اسقاط کافه خیارات کنند و یا فاصله زمانی بین دو معامله نقد و نسیه به قدری کم باشد احتمال تلف از دید عرف نزدیک به صفر برسد، که در این فرض شخص سود خود را تقریباً به صورت تضمینی برده و عملاً این پروسه و این عملیات هیچ فرقی با قرض ربوی از این حیث ندارد.

ب) اینکه طرفین قصد جدی داشته باشد و به لوازم و احکام آن معامله ای حيله ای نیز ملتزم باشند و این حيله به گونه ای باشد که لوازم و احکام آن ظاهر می شود و ثمره عملی داشته باشد. فرض کنید زید می خواهد ۶ میلیون تومان به عمرو بدهد و پس از یک سال ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان از او بگیرد و



برای فرار از ربا این حيله را به کار برد که ماشین عمر و را به ۶ میلیون نقد بخرد به شرط آن که همان ماشین را به عمر و در ازای ماهانه ۵۰۰ هزار تومان اجاره به شرط تملیک دهد، در این صورت عنوان بشرط (اجاره به شرط تملیک) بر آن منطبق می شود. در این صورت اگر قصد بیع و اجاره صوری نباشد آثار آن با آثار قرض ربوی بسیار متفاوت است، زیرا در این مدت ماشین در ملک زید است و عمر و در جایگاه موجر امین است پس هرگونه خسارت غیر عمدی که متوجه ماشین شود بر عهده زید است و اگر ماشین به علت سماوی تلف شود عمر و ضامن نیست و یا مثل قرارداد (مضاربه به شرط عدم فسخ و پرداخت علی الحساب و مصالحه به بخشش در آخر کار) که شخص برای آن که حتماً به سود برسد این دو عقد مضاربه و مصالح را مشروط به یکدیگر انجام می دهد .

۴) این دو یا چند عقد مشروط به هم انجام نشود اگر چه داعی و انگیزه طرفین معامله صرفاً فرار از ربا و رسیدن به همان نتیجه ربا است و در همان مثال بیع نقد و نسیه ، شخص نیازمند به سراغ شخص صاحب پول می آید و درخواست پول می کند و صاحب پول که میداند طرف مقابلش نیاز به پول دارد به او می گوید ماشین خود را به من نقد به ۶ میلیون بفروش و من هم به صورت نسیه آن را به هفت میلیون به تو می فروشم ، صاحب پول دیگر لازم نمی بیند که بیع اول (عقد نقد) را مشروط به بیع دوم کند زیرا می داند نیازمند هم ماشین خود را لازم دارد و هم پول را ، به هر دو معامله تن خواهد داد .

آراء فقها در مورد حکم حيله ربا

حيله ربا از دو جهت باید بررسی شوند :

جهت اول، حکم وضعی (صحت و بطلان آنها) و جهت دوم ، حکم تکلیفی (حلیت و حرمت آنها)

آراء فقها در مورد حکم حیل ربا از جهت صحت و بطلان :

بیشتر فقها معتقدند به کارگیری حيله در معاملات ربوی صحیح است ، در مقابل سید مرتضی ، محقق

اردبیلی و محقق بهبهانی ربا را مطلقاً باطل می دانند .



مرحوم امام نیز حيله ربای معاملی تفصیل می دهند بین موردی که زیاده در یک طرف ، موجب افزایش قیمت آن نسبت به طرف دیگر نشود ، باطل است . اما ایشان حيله در ربای قرضی را مطلقا باطل می دانند

حکم تکلیفی حیل ربا

برخی از عامه گفته اند : اگر شخص ، حيله را مقدمه برای ارتکاب حرام قرار دهد ، جایز نیست . دلیل آن نیز این قاعده عقلی است که مقدمه حرام اگر به قصد دستیابی به حرام انجام شود ، حرام است . برخی نیز حرمت حیل ربا را از رهگذر ربا بودن حیل ربا اثبات کرده اند ، یعنی چون حيله ربا را موضوعا ربا می دانند پس حکم ربا را نیز در آن ثابت می دانند .

مقتضای قاعده و اصل اولی در مساله:

اصل اولی در مساله نیز از دو جنبه تکلیفی و وضعی باید مد نظر قرار گیرد ،

اصل اولی از حیث حکم تکلیفی :

اگر در موردی از موارد حیل ربا شک کنیم که آیا حلال است یا حرام و دلیل اجتهادی بر هیچکدام نیافتیم ، مسلما حکم به حلیت خواهد شد ، زیرا شک در اصل تکلیف است و اصل عملی در این موارد برائت می باشد .

اصل اولی از حیث حکم وضعی :

اگر در موردی از موترد حیل ربا از حیث صحت و بطلان شک کنیم یعنی ادله ی بطلان را در آن مورد تمام ندانیم و با این حال دلیل اجتهادی بر صحت آن نیز نیابیم ، حکم به صحت آن معامله ی حيله ای خواهیم کرد نه بطلان .

ممکن است توهم شود که اصل در معاملات در فرض شک ، بطلان است به خاطر جریان (اصله الفساد) که نوعی استصحاب است. (استصحاب عدم حدوث اثر مطلوب از معامله).

ولی جواب این توهم روشن است ، چرا که این حيله ها بالاخره در قالب یک یا چند معامله ای که در شریعت کلیت آن امضاء شده انجام می شود مثل بیع ، یا اجاره و یا هبه و یا جعاله و یا مضاربه و...

کلام مرحوم امام نیز در جواب مشهور که حیل را تجویز کرده اند ، اشاره به همین اصل مذکور دارد ، (بل ممکن آن تکنون فتوی جمع منهم لاجل توهم کونه موافقا للقاعده ، فانه بیع و عقد و تجاره) البته به نظر



ایشان اصلاً نوبت به این اصل تاوولی نمی رسد و هما علل تحریم ربا در آنها نیز جاری است ف اما در اینکه مقتضای قاعده و اصل اولی ، حت است با مشهور نزاعی ندارد .
پس اگر در موردی شک کردیم و ادله ی بطلان حیلہ را در آن تمام نیافتیم ، اصل اولی ، صحت خواهد بود .



نتیجه

با توجه به مطالب گفته شده، ربا نزد همه فقها حرام است اما در مورد حيله های ربوی اختلاف نظر وجود دارد. برخی فقها آنها را جایز و برخی آنها را غیر مجاز می دانند و هر کدام دلایلی برای نظرات خود مطرح کرده اند و گروه مقابل به آنها اشکال وارد کرده اند. اما برای ساماندهی به معاملات بین مردم و رهایی آنها از معاملات ربوی باید معیارهای مشخص و یکسانی برای تفکیک حيله های ربوی مجاز از غیر مجاز مشخص و بیان شود. در این صورت مسلمین برای معاملات خود دچار سردرگمی و معاملات حرام نمی شوند و همچنین باعث رونق تجارت و فعالیت های مالی آنها می شود.



منابع و مأخذ

۱. راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، مفردات، ص ۲۷۶
۲. طریحی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۹۹
۳. وحید بهبهانی، ۱۴۱۹ق؛ الرسائل الفقه، ص ۲۴۹ و ۲۵۰
۴. خمینی، سید روحالله موسوی، البیع، جلد ۲، ص ۵۴۱ و ۵۴۲ و ۵۴۶
۵. سرخسی، ۱۴۰۶ق؛ ج ۳، ص ۲۰۹
۶. بهوتی، ۱۴۱۸ق؛ ج ۳، ص ۳۱۶
۸. آملی، محمد تقی، المکاسب و البیع، تقریرات بحث آیت الله نائینی، موسسه نشر اسلامی
۹. امیر اصلانی، اسدالله، مجموعه سخنرانی ها و مقالات سومین همایش بانکداری اسلامی، تهران، موسسه عالی بانکداری
۱۰. محقق اردبیلی، ۱۴۱۶ق؛ مجمع الفائده و البرهان، تحقیق اشتهااردی، عراقی و یزدی
۱۱. میرمعزی، سید حسین، مقاله حيله های ربا؛ نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۴
۱۲. خطیبی، مهدی، مقاله تفکیک حيله های مجاز و حيله های غیر مجاز قرض ربوی بامعیار عرف، فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره اول
۱۳. آهنگران، محمد رسول، مقاله بازپژوهای حيله های مشروع فرار از ربا با رویکرد فقه مقارن، پژوهشنامه مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، شماره ۱ ب
۱۳. حسینی، سید امراله، مقاله حریم های ربا در فقه اسلامی؛ دلالت هایی برای بانکداری اسلامی، نشریه مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۲۶